

## مصادیق جرم تظاهر و مداخله در امر وکالت (درنگی در مراد قانون گذار)

علی نبی \*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰

### چکیده

وکالت دادگستری از جمله مشاغلی است که با حقوق عامه پیوند داشته و نظارت قانونی بیشتری نسبت به بسیاری از مشاغل، پیرامون آن شکل گرفته است. منع مداخله افراد فاقد پروانه وکالت یکی از نمودهای این نظارت قانونی است که به موجب ماده ۵۵ از قانون وکالت مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. از آنجا که ویژگی‌های عنصر مادی این رفتار مجرمانه به صراحت در قانون بیان نشده است، اختلاف برداشت‌هایی در آرای دادگاه‌ها در خصوص مصادیق آن به وجود آمده است. از این رو، در این نوشتار با هدف شناسایی مراد مقنن، با روش تحلیلی و توصیفی به بررسی مقررات گوناگونی که می‌تواند در تفسیر منطقی از ویژگی‌های رفتار مجرمانه تظاهر و مداخله در امر وکالت، سودمند باشد، پرداخته شده است. نتایج به دست آمده نشان داد که تصریح به وکیل بودن (در فرض وجود مخاطب مشخص)، علنی بودن (در فرض فقدان مخاطب مشخص)، مأذون نبودن، در صلاحیت وکیل بودن رفتار و عدم شرطیت مستقیم بودن مداخله، از اوصاف رفتار فیزیکی، در این جرم است. از حیث اطلاق یا تقیید، با توسل به روش تفسیر منطقی، مشخص گردید که این جرم به اعتبار پنج قرینه منقصل، مقید به نتیجه است و سلب حق دسترسی به وکیل، اطلاع از اسرار افراد، دریافت وجه یا مال، خیانت به اعتماد اشخاص و آسیب به شأن و حیثیت حرفه وکالت، نتایج ضروری برای تحقق این جرم به شمار می‌روند.

### کلید واژگان:

تظاهر و مداخله در وکالت، مراد قانون‌گذار، تفسیر منطقی.

---

\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم

## مقدمه

وکیل کسی است که از طریق توکیل، اختیار اجرای امر یا اموری را راجع به موکل دارا شده باشد<sup>۱</sup> و چنانچه این امور، مربوط به امر دفاع از دعوا در مراجع قضایی باشد، توسط وکیل دادگستری صورت می‌پذیرد. نهاد وکالت دعاوی، پیشینه تاریخی طولانی دارد و گفته‌اند که بنای عقلا در نخستین جوامع بشری پایه‌گذار آن بوده است.<sup>۲</sup> در فقه امامیه وکالت در دعاوی به جهات گوناگون مورد تأیید و جایز شمرده شده است. از جمله استدلال‌های فقها در این خصوص می‌توان به ضرورت حفظ منافع صغار، سفها و موصی‌لهم در محاکم، لزوم مشورت قاضی با اهل فن، کراهت حضور مستقیم اشخاص آبرومند در دعاوی و ناکامی در احقاق حق افراد به دلیل عدم آشنایی با فن دفاع و وجود رعب در محکمه اشاره کرد.<sup>۳</sup> در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی‌وپنجم حق برخورداری شهروندان از انتخاب وکیل در دعوا را به رسمیت شناخته است. همان‌گونه که در ماده ۳۳ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی آمده است، وکیل برای وکالت در دعوا باید دارای شرایطی باشد که به موجب قوانین راجع به وکالت در دادگاه‌ها مقرر شده است. این شرایط در ماده ۲ از قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶ مجلس شورای اسلامی بیان شده است. دارا بودن شرایط علمی و اخلاقی و لزوم جلوگیری از مداخله افراد فاقد صلاحیت در حرفه وکالت، قانون‌گذار ایران را بر آن داشته است تا به موجب ماده ۵۵ از قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵، هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت را ممنوع اعلام و برای مرتکبان آن تعیین کیفر نماید. متن این ماده چنین است: «وکلائی معلق و اشخاص ممنوع‌الوکاله و به‌طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد، از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است؛ اعم از اینکه عناوین تدلیس از قبیل مشاور حقوقی و غیره اختیار کند یا اینکه به وسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در مؤسسات خود را اصیل در دعوی قلمداد نماید، متخلف از یک الی شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد». این ماده، به‌طور عام هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت را

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *وسیط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۹، ص ۷۵۴.

۲. حسینی خامنه‌ای، سید محمد، *وکالت در دعاوی*، نشریه نور علم، ۱۳۶۳، شماره ۴، ص ۱۰۲.

۳. ر ک: همان، صص ۱۱۰-۱۰۶.

ممنوع دانسته و مصادیقی از آن را از باب تمثیل، ذکر کرده است. در تفسیر قوانین جزایی، اکتفای مقنن به یک یا چند مصداق را بر پایه قاعده سکوت در مقام بیان، به منزله انصراف از مصداق‌های مشابه تلقی می‌کنند؛ با این حال، قاعده تفسیر به منظور کشف مراد مقنن، بر این قاعده حاکم است<sup>۱</sup> و چنانچه قرائنی وجود داشته باشد که اکتفا به مصادیق مصرحه، با منطق و مراد قانون‌گذار سازگاری نداشته باشد، باید از آن عدول کرد. عمومات «هر گونه تظاهر و مداخله»، موجب می‌شود که مصادیق این جرم را منحصر به مثال‌های ذکر شده در ماده ندانیم. به‌عنوان نمونه، اگر شخصی بدون اینکه خود را اصیل در دعوا قلمداد، و عنوان تدلیس اختیار کند، صرفاً ادعا نماید که دفاع از دعوای فردی در دادگاه را به عهده می‌گیرد و در این راستا اقداماتی را نیز انجام دهد، در این صورت، جرم ندانستن این رفتار با فرض حکمت قانون‌گذار در تعارض خواهد بود. لذا در این موارد باید از ظاهر قانون عدول و به سود حکمت وضع آن عمل کرد.

واژگان تظاهر و مداخله، که در این ماده به کار رفته‌اند، طیف وسیعی از رفتارها از ارائه مشاوره حقوقی مختصر تا حضور و معرفی غیرواقعی خود به‌عنوان وکیل در مراجع قضایی را در بر می‌گیرد، لذا واژگان فوق را باید دارای اجمال دانست؛ چراکه اجمال، آن است که معنای کلمه‌ای به کلی مبهم نباشد، ولی میان دو یا چند چیز مردد باشد.<sup>۲</sup> اجمال موجود در ماده فوق، موجب شده است که در آرای صادره از دادگاه‌ها نیز در مورد عنصر مادی این جرم تفسیرهای گوناگونی صورت پذیرد. برخی تحقق این جرم را منوط به اقدام مرتکب در مراجع قضایی و شبه قضایی دانسته‌اند.<sup>۳</sup> عده‌ای شرط غرور و فریب موکل به داشتن جواز و اختیارات قانونی به قصد انتفاع مادی<sup>۴</sup> را مؤثر دانسته‌اند. در جای دیگری آمده است که تحقق جرم دخالت در امر وکالت منوط به حضور در دادگاه‌ها یا سایر مراجع قضایی نیست، بلکه اعم از این است که شخصی در خارج از مراجع قضایی خود را وکیل معرفی کند و محلی را به این امر اختصاص دهد و وظایف و اختیاراتی که وکیل دادگستری دارد انجام دهد یا اینکه در مراجع قضایی حضور یابد و این امور را

۱. امیدی، جلیل، *تفسیر قانون در حقوق جزا*، تهران: نشر مخاطب، ۱۳۹۴، صص ۱۵۱-۱۵۰.

۲. قیاسی، جلال‌الدین، *روش تفسیر قوانین کیفری*، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۹۸، ص ۳۳.

۳. دادنامه شماره ۳۶۹-۹۳-شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ ملارد.

۴. دادنامه شماره ۱۱۲۶/۷۴ شعبه هفتم دادگاه عمومی اراک.

انجام دهد.<sup>۱</sup> در مواردی، با وجود انعقاد قراردادی با عنوان حق‌الوکاله یا جعاله و اخذ وکالت رسمی با ذکر اختیارات وکیل دادگستری و دریافت وجه زیادی از اشخاص، در مورد متهم، قرار منع تعقیب صادر شده است.<sup>۲</sup> و<sup>۳</sup> نظر به اهمیت احراز نظر مقنن در تفسیر قوانین کیفری، نوشتار حاضر در پی دستیابی به مراد قانون‌گذار و تعیین معیاری است که به کمک آن بتوان مصادیق رفتارهای مشمول عناوین تظاهر و مداخله در عمل وکالت را تعیین کرد. به این منظور، در مبحث نخست ابتدا به لحاظ واژه‌شناسی به بررسی معنای لغوی این دو واژه و نیز بررسی مقررات موضوعه که در آنها از این دو واژه استفاده شده است و می‌تواند در تعیین معنای اصطلاحی و کشف فضای ذهنی قانون‌گذار از به‌کاربردن آنها مؤثر باشد، پرداخته می‌شود. سپس با واکاوی قوانین و مقررات مرتبط با حرفه وکالت، تلاش می‌شود تا تکالیف و ممنوعیت‌هایی که قانون‌گذار نسبت به وکلای دادگستری اعمال کرده است و مداخله افراد غیروکیل در امر وکالت می‌تواند موجب نقض و نادیده انگاشتن مقصود قانون‌گذار از اعمال آنها و در نتیجه آسیب به نظم عمومی جامعه شود، مورد شناسایی قرار گیرد.

## ۱. واژگان تظاهر و مداخله، در قانون

در مبحث پیش‌رو، پس از درنگی در معنای واژگان تظاهر و مداخله، با واکاوی قوانین موضوعه، به دنبال دستیابی به مراد قانون‌گذار در به‌کاربردن این دو واژه و شناخت اوصاف ضروری افعال تظاهر و مداخله خواهیم بود.

### ۱.۱. مفهوم واژه تظاهر و معنای اصطلاحی آن

تظاهر را آشکارشدن، خودنمایی‌کردن، چیزی را ظاهراً به خود بستن و خود را به داشتن صفتی وانمودکردن معنا کرده‌اند.<sup>۴</sup> افراد ممکن است در زندگی اجتماعی خود با اهداف گوناگون رفتارهای تظاهرآمیز داشته باشند. رفتارهایی که گاه با هدف خودنمایی و جلب توجه دیگران صورت می‌گیرند. اما همه رفتارهای تظاهرآمیز، جرم یا کژروی به شمار نمی‌روند و با واکنش

۱. دادنامه صادره از شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان اردبیل.

۲. دادنامه شماره ۸۸۷-۹۹۰ شعبه ۱۱۷۸ دادگاه کیفری ۲ تهران.

۳. دادنامه شماره ۱۰۱-۹۷۰ شعبه ۱۱۷۵ دادگاه کیفری ۲ تهران.

۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۱۰۹۶.

اجتماعی روبه‌رو نمی‌شوند. به عنوان نمونه، قانون‌گذار ایران تظاهر به عمل حرام را در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) جرم و سزاوار مجازات دانسته و در شق دوم این ماده رفتار مباحی را که جریحه‌دار شدن عفت عمومی را در پی داشته باشد، مستوجب کیفر دانسته است. تعیین کیفر برای رفتار تظاهر‌آمیز، صرفاً بر پایه ارتکاب فعل حرام یا رفتار خلاف عفت عمومی نیست. گاهی قانون‌گذار با هدف حفظ نظم عمومی و با در نظر گرفتن مصلحت جامعه، ارتکاب برخی رفتارها را جرم و مستوجب کیفر می‌داند. ممنوعیت تظاهر به وکالت نیز از آن جمله است. باید توجه داشت که تظاهر، گاهی نشان‌دادن تصویری از خود است که واقعیت ندارد و گاه انجام عملی در علن و ظاهر است؛ مثلاً سیگار کشیدن در مکان عمومی. لذا ضمن توجه به این تفاوت معنایی، برای دستیابی به مقصود مقنن از مصادیق رفتارهای مشمول عنوان تظاهر به وکالت، لازم است که قوانین و مقرراتی که قانون‌گذار در آنها از این واژه استفاده کرده است، مورد بررسی قرار گیرند تا ابعاد، حدود و ویژگی‌های آن شناسایی شود. به این منظور، باید دو فرض را از هم تفکیک کرد؛ نخست، هنگامی که مرتکب، مخاطب مشخصی دارد و به او اظهار می‌کند که وکیل دادگستری است. دوم زمانی که بدون وجود مخاطب معین، چنین وانمود می‌کند که وکیل دادگستری است.

در فرض نخست، چنانچه فردی که فاقد پروانه وکالت، ممنوع یا معلق از وکالت باشد، در مواجهه با افراد دیگر چنین وانمود کند که وکیل دادگستری است، اعم از اینکه به‌طور شفاهی یا کتبی چنین مطالبی را بیان کند یا با استفاده از تبلیغ عامه همچون چاپ کارت ویزیت یا بروشور یا سایر ابزارهای تبلیغاتی، خود را وکیل دادگستری معرفی کند، رفتار فیزیکی لازم برای تظاهر به وکالت را انجام داده است. در این فرض، تظاهر به معنای ارائه تصویر خلاف واقع از خود است.

در فرض دوم که مخاطب مشخصی وجود ندارد، لازم است که مرتکب به نحوی وانمود کند که وکیل دادگستری است. در ایران، برخلاف برخی کشورها، پوشیدن ردای مخصوص وکالت الزامی و حتی رایج نیست و این ردای مخصوص صرفاً در مراسم و آیین‌های خاصی، مانند تحلیف کارآموزان وکالت و اجتماعات رسمی و اغلب توسط اعضای هیئت‌مدیره کانون‌های وکلا مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین پوشیدن ردای وکالت توسط افراد غیروکیل را با توجه به رایج و متعارف نبودن آن نمی‌توان تظاهر به وکالت دانست. در مقابل، استفاده از نشان کانون وکلا بر

روی لباس وکلا امری رایج محسوب می‌شود و چنانچه افراد غیروکیل این لوگوی اختصاصی را بر روی لباس خود نصب کنند، عرف، آنها را وکیل قلمداد می‌کند و در این صورت رکن مادی تظاهر به وکالت محقق است. واژه تظاهر، در این فرض افزون بر وانمود کردن، مستلزم برخورداری از وصف دیگری است که بررسی قوانین موضوعه می‌تواند آن را آشکار سازد. در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) آمده است: «هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس... محکوم می‌گردد و...».

بر اساس این ماده، تظاهر به عمل حرام مقید به علنی بودن رفتار است. همچنین ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی ۹۲ بیان می‌دارد: «غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محکوم به حد می‌شود»، تبصره<sup>۱</sup> این ماده علنی نبودن تظاهر را موجب سقوط حد دانسته است. بنابراین روشن می‌شود که تظاهر مستوجب حد، ملازمه با علنی بودن رفتار دارد. واژه علن در قوانین پس از انقلاب اسلامی تعریف نشده، اما ماده ۲۱۴ مکرر از قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۵۲) آن را چنین تعریف کرده است: «از نقطه نظر قوانین جزائی (خواه این قانون و خواه قوانین جزائی دیگر) مقصود از ارتکاب عمل به‌طور علنی ارتکاب آن در مرئی و منظر عموم است؛ اعم از اینکه محل ارتکاب از امکان عمومی باشد و یا ارتکاب آن در امکانی است که معد برای پذیرفتن عموم باشد؛ از قبیل حمام‌های عمومی و قهوه‌خانه و نمایشگاه و مانند آن». رویه قضایی نیز به این موضوع توجه نشان داده است. شعبه دوم دیوان عالی کشور در رأی صادره شماره ۴۱۳/۱۳۱۸/۲/۳۱ بیان داشته است: «مقصود از ارتکاب عمل منافی عفت به‌طور علنی عبارت است از اینکه عمل در مرئی و منظر عمومی واقع شود یا مکانی که مستعد برای عموم باشد...». مکان عمومی جایی است که بین مردم مشترک باشد و ملک شخص یا اشخاص معینی نباشد؛ به صورتی که همه در انتفاع از آن برابر باشند.<sup>۲</sup> همچنین بند ۸ از ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات، محل‌هایی را که مورد استفاده و مراجعه جمعی یا عموم مردم است، اماکن عمومی معرفی کرده است.

۱. تبصره ماده ۲۶۶: «اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد، لکن مرتکب در حال مستی در معابر یا اماکن عمومی ظاهر شود، به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می‌شود».

۲. سبزواری، سید عبدالعلی، *مهدب الاحکام فی بیان حلال و الحرام*، جلد ۲۳، قم: دارالتفسیر، ص ۲۵۵.

به این ترتیب، باید گفت در فرضی که شخص مرتکب، مخاطب معینی ندارد و از طریقی مانند نصب نشان وکالت، اقدام به ظاهرسازی می‌کند، شرط صدق عنوان تظاهر، علنی و در مکان عمومی بودن است.

## ۱.۲. مفهوم واژه مداخله و معنای اصطلاحی آن

مداخله به معنای «در امری داخل شدن و دخالت کردن در کاری» است.<sup>۱</sup> در مورد واژه دخالت نیز گفته شده است: «این مصدر را در فارسی از دخل یدخل عربی به قیاس خجالت و جز آن ساخته‌اند و به جای آن در عربی مداخله مستعمل است».<sup>۲</sup> قانون‌گذار ایران هم این دو واژه را به یک معنا به کار برده است. به‌عنوان نمونه در ماده ۶۶۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) این دو واژه به جای یکدیگر به کار رفته‌اند.<sup>۳</sup> بنابراین در ادامه، در جست‌وجو برای یافتن ویژگی‌های رفتار مداخله‌گرانه در لسان قانون‌گذار، مواد قانونی مختلفی که واژگان مداخله و دخالت در آنها به کار رفته است، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۱.۲.۱. شرط مآذون نبودن افراد

در مواد ۴۵۵۵ و ۵۶۶۳ از قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) به ترتیب، صدق عنوان مجرمانه نسبت به دخالت در مشاغل دولتی و دخالت در اشیاء و اموال توقیف‌شده مشروط به مآذون نبودن مرتکب است. بنابراین یکی از شرایط صدق، عنوان مداخله بر رفتار مرتکب را باید نداشتن اذن از سوی اشخاص ذی‌صلاح دانست. قانون‌گذار در مواردی به افراد عادی، نسبت به

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۳۹۵۷.

۲. همان، ص ۱۴۹۸.

۳. ماده ۶۶۳: «هر کس عالماً در اشیاء و اموالی که توسط مقامات ذی صلاح توقیف شده است و بدون اجازه دخالت یا تصرفی نماید که منافی با توقیف باشد ولو مداخله‌کننده یا متصرف مالک آن باشد به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد».

۴. ماده ۵۵۵: «هرکس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشکری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است، دخالت دهد یا معرفی نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده است، مجازات جعل را نیز خواهد داشت».

۵. ماده ۶۶۳: «هر کس عالماً در اشیاء و اموالی که توسط مقامات ذی‌صلاح توقیف شده است و بدون اجازه دخالت یا تصرفی نماید که منافی با توقیف باشد ولو مداخله‌کننده یا متصرف مالک آن باشد به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد».

اموری که اصولاً در صلاحیت وکیل دادگستری است، اذن مداخله داده است. برابر ماده ۱۵ قانون امور حسبی و تبصره آن، در امور حسبی اشخاص ذی‌نفع می‌توانند شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند. نماینده در این ماده، اعم از وکلای دادگستری و غیر آنها است.<sup>۱</sup> همچنین بر اساس ماده ۲ از قانون وکالت، افرادی که واجد معلومات کافی برای وکالت باشند، اما پروانه وکالت نداشته باشند، می‌توانند در سال سه مرتبه با گرفتن جواز وکالت اتفاقی از قانون مربوط، برای اقریبای سببی یا نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم، وکالت نمایند.<sup>۲</sup> ماده ۹۶ از قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی،<sup>۳</sup> محل دیگری است که مداخله افراد غیروکیل، در جریان دادرسی در آن تجویز شده است. بر اساس این ماده، اصحاب دعوا می‌توانند اصول اسناد خود را توسط وکیل یا نماینده‌شان به دادگاه ارائه نمایند. در موارد یادشده و نیز در اموری که مداخله نمایندگان حقوقی اشخاص حقوقی در دعاوی مربوط به آنها مجاز دانسته شده است و در موارد مشابه دیگر، انصراف عنوان مداخله در وکالت، از آنها تردیدناپذیر است. افزون بر این، اگر افراد با اذن وکیل دادگستری برخی اقدامات مرتبط با وظایف وکیل، مانند ابطال تمبر مالیاتی یا امور اداری مشابه را که منع قانونی در انجام آنها توسط دیگران وجود ندارد، انجام دهند، نمی‌توان رفتار ایشان را مشمول عنوان مجرمانه مداخله در وکالت دانست.

#### ۱.۲.۲. شرط در صلاحیت وکیل بودن رفتار

رفتار فرد مداخله‌گر در امر وکالت، باید در اموری صورت بگیرد که در صلاحیت وکیل دادگستری است. قانون‌گذار در ماده ۵۷۷ از قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) دخالت مستخدمین و مأمورین دولتی در امور قضایی را جرم شناخته است. این ماده، دخالت در اموری را مستوجب کیفر می‌داند که در صلاحیت مراجع قضایی است. هر مسئله‌ای که طبع قضایی داشته باشد، مشمول ماده یادشده نخواهد بود؛ فرایند ابلاغ اوراق قضایی نمونه‌ای از چنین مسائلی است

۱. شمس، عبدالله، *آئین دادرسی مدنی* (دوره پیشرفته)، جلد ۱، تهران: انتشارات دراک، چاپ سی و پنجم، ۱۳۹۴، ص ۲۱۳.

۲. همان، ص ۲۱۲.

۳. ماده ۹۶: «... درمورد این ماده هرگاه یکی از اصحاب دعوا نخواهد یا نتواند در دادگاه حاضر شود، چنانچه خواهان است باید اصل اسناد خود را و اگر خوانده است، اصل و رونوشت اسناد را به وکیل یا نماینده خود برای ارائه در دادگاه و ملاحظه طرف بفرستد ...».



که اقدامی مربوط به امر قضایی است، اما توسط کارکنان اداری صورت می‌گیرد. در مقابل، اجرای قرار معاینه و تحقیق محلی امری است که در صلاحیت مقام قضایی است و مداخله در آن مشمول ماده ۵۷۷ خواهد بود. صلاحیت، مفهومی است که در حوزه عمومی معنا پیدا می‌کند که عبارت از مجموعه اختیاراتی است که به موجب قانون برای انجام اعمال معینی به مأمور دولت داده می‌شود.<sup>۱</sup> صلاحیت وکیل دادگستری اگرچه در ارتباط با امور عمومی است، با مفهوم صلاحیت در امور اداری متفاوت است. صلاحیت وکیل دادگستری را باید شامل اختیاراتی دانست که حول مفهوم دعوا شکل می‌گیرد. مراد از دعوا در اینجا، وجود حقی قانونی و مشروع در عمل یا بنا بر ادعا است که مورد تجاوز یا انکار قرار گرفته باشد.<sup>۲</sup> لذا تحقق عنوان مجرمانه مداخله در عمل وکالت، از نظر حقوقی مقید به آن است که دعوایی به این مفهوم وجود داشته باشد (بدون آنکه لزوماً دعوا در مرجع قضایی طرح شده باشد)، یا شخصی در معرض متهم شدن به ارتکاب رفتار مجرمانه قرار داشته یا به ارتکاب جرمی متهم شده باشد و رفتار مداخله‌گرانه، حول محور دعوای یادشده صورت پذیرفته باشد.

### ۱.۲.۳. نحوه مداخله (مستقیم یا غیرمستقیم)

رفتار مداخله‌گرانه می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد. قانون‌گذار به چنین مداخله‌ای در ماده دوم از «قانون راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری»<sup>۳</sup> اشاره کرده است. در این ماده، مداخله اشخاص مندرج در ماده یک، در معاملات دولتی، به صورت مستقیم یا با واسطه، سزاوار کیفر دانسته شده است.

گاه افراد بدون اینکه مستقیماً در امر وکالت دادگستری مداخله کنند، به صورت غیرمستقیم در این موضوع به ایفای نقش می‌پردازند. بسیار رایج است که افرادی بدون اینکه خود را وکیل دادگستری بنامند، با اخذ وکالت رسمی مدنی، با ذکر اختیارات وکیل دادگستری و با داشتن حق توکیل، به نمایندگی از موکل، با وکیل دادگستری قرارداد وکالت منعقد می‌کنند؛ چنین اقدامی

۱. طباطبایی مومنی، منوچهر، *حقوق اداری*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳، ص ۴۴۶.

۲. شمس، عبدالله، پیشین، ص ۲۷۷.

۳. ماده ۲: «اشخاصی که برخلاف مقررات ماده فوق شخصاً یا به نام و یا واسطه اشخاص دیگر مبادرت به انجام معامله نمایند و یا به عنوان داور در دعاوی فوق‌الاشعار شرکت کنند و همچنین هر یک از مستخدمین دولتی (اعم از کشوری و لشگری) و سایر اشخاص مذکور در ماده فوق در هر رتبه و درجه و مقامی که باشند، هرگاه برخلاف مقررات این قانون عمل نمایند، به حبس مجرد از دو تا چهار سال محکوم خواهند شد...».

ممکن است به دلیل ضرورت، مانند مسافرت موکل به مسافرت خارج از کشور یا موارد مشابه دیگر انجام شود. در چنین مواردی درخواست تنظیم سند وکالت از جانب موکل صورت می‌گیرد و شخص وکیل مدنی، مبتکر این عمل حقوقی نیست. به نظر می‌رسد که در این صورت نمی‌توان اعطای وکالت مع‌الواسطه وکیل مدنی به وکیل دادگستری را مداخله در امر وکالت دانست. برعکس هنگامی که شخصی، دیگری را به هر دلیل ترغیب به اعطای وکالت رسمی کند و شخصاً برای پیگیری مسئله حقوقی موکل، داوطلب می‌شود و با وکیل دادگستری قرارداد تنظیم می‌کند، شرط لازم برای مداخله تلقی شدن این رفتار فراهم است (لکن همان‌طور که خواهیم دید، شرط کافی نیست).

## ۲. مطلق یا مقید بودن عنصر مادی جرم

بر پایه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، قانون‌گذار کیفری، وظیفه دارد که اوصاف رفتار مجرمانه را به‌وضوح مشخص کند.<sup>۱</sup> به همین علت، از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی قوانین، رعایت اصل صراحت و پرهیز از ابهام‌انگیزی است.<sup>۲</sup> فقدان اوصاف یادشده در ماده ۵۵ از قانون وکالت، برداشت‌های گوناگون از این ماده در محاکم را در پی داشته است.

مطلق انگاشتن تظاهر و مداخله در وکالت، موجب ترتب نتایج ناروا خواهد شد. نخست آنکه این اطلاق می‌تواند دایره وسیعی از رفتارهای مباح را به جرم تبدیل کند. به عنوان مثال، ارائه مشاوره حقوقی در مورد یک دعوی مطرح‌شده در مرجع قضایی، توسط یک دانش‌آموخته حقوق یا مدرس دانشگاه، مشمول اطلاق «هر گونه تظاهر یا مداخله» خواهد بود. ثانیاً، از توجه به ماده ۱ از قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، وجود نوعی تبعیض غیرمنطقی لازم می‌آید. تحقق این جرم مقید به تحصیل وجه یا فایده یا گرفتن تعهد از بزه‌دیده است. اگر مداخله در وکالت را جرمی مطلق بدانیم، باید فردی را که بدون ادعای نفوذ، مداخله‌ای در پرونده قضایی داشته، بدون نیاز به تحقق نتیجه مشخصی، مجرم دانسته و رفتار فرد دیگری را که ادعای نفوذ در دادگستری را مطرح کرده و شائبه فساد در نظام اداری - قضایی را ایجاد کرده

۱. اردبیلی، محمد علی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۱، تهران: نشر میزان، چاپ سی‌وسوم، ۱۳۹۲، ص ۲۰۵.  
 ۲. اکرمی، روح‌الله، *بررسی قانون مجازات اسلامی جدید در سنجه ضوابط قانون‌نگاری*، مجلس و راهبرد، ۱۳۹۴، شماره ۸۲، ص ۱۸۰.

است، جایز بشماریم. از این رو در این مبحث، بر مبنای مقدمات حکمت در علم اصول، به جست‌وجوی قرینه‌هایی خواهیم پرداخت که ممکن است نمایانگر مراد مقنن از مصادیق تظاهر و مداخله در وکالت باشد و مقید بودن این رفتار مجرمانه را نشان دهد.

مواد قانونی متنوع و پرشمار یک نظام حقوقی، همانند شاخ و برگ‌های درختی که به تنه واحدی پیوسته و از ریشه‌ای مشترک تغذیه می‌کنند؛ اصول و قواعد وحدت‌بخش در بسیاری از موارد صراحتاً در قانون ذکر نمی‌شوند، اما قانون مبتنی بر آنها نوشته می‌شود<sup>۱</sup> و تفسیر قانون باید با توجه به آنها انجام شود. از آنجا که قانون‌گذار مراد خود از اوصاف یک رفتار مجرمانه را لزوماً در یک ماده یا فصل خاص قانون بیان نمی‌کند، به دلیل کشف مقصود قانون‌گذار، به بررسی قوانین مختلف مرتبط با حرفه وکالت دادگستری می‌پردازیم.

## ۲.۱. حق دسترسی به وکیل

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد در ماده ۱۴، حق دسترسی آزادانه به وکیل را از حقوق اساسی انسان‌ها دانسته است: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود، حق دارد در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضا نماید، از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت». تضمین حق دسترسی به وکیل را باید یکی از پیش‌شرط‌های اساسی «دادگستری خوب» و «دادرسی خوب» دانست.<sup>۲</sup> نویسندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر همین اساس در اصل سی‌وپنجم، این حق را به عنوان یکی از حقوق بنیادین به رسمیت شناخته‌اند. قانون‌گذار ایران در قوانین موضوعه دیگری، از جمله مواد ۴۸ و ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز بند ۳ ماده واحده «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» حق دسترسی افراد به وکیل را دیگر بار بیان کرده است. در فرایند رسیدگی کیفری، یکی از مظاهر دادرسی منصفانه، امکان برخورداری متهم از وکیل مدافع

۱. قیاسی، جلال‌الدین و همکاران، *مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی*، جلد ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸، ص ۷۶.

۲. قلی‌پور، غلامرضا و مهدی صبوری پور، *تجدید وکیل در نظام عدالت کیفری ایران*، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۱۱، ۱۳۹۹، شماره ۱، ص ۲۰۲.

است<sup>۱</sup> و در کشورهایی که دغدغه دستیابی به یک دادرسی منصفانه در سپهر عدالت قضایی آنها وجود دارد، حق استفاده از وکیل در مرحله دادرسی و تحقیقات ابتدایی پلیس-مرحله تحت نظر- از اهم حقوق دفاعی متهم و نیازهای جامعه محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> از این رو در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم (در مرحله تحقیقات مقدماتی) موجب مجازات انتظامی شناخته شده است. در دعاوی مدنی نیز از آنجایی که آیین دادرسی، دارای مسائل دشوار و دقیقی است که احاطه بر آنها برای اشخاص غیرحقوق دان به آسانی میسر نمی‌شود،<sup>۳</sup> در صورت محروم شدن افراد از حق داشتن وکیل مدافع، در بسیاری موارد ممکن است اثبات و احقاق حق به درستی انجام نشود و شخص بی‌حقی در دعوا پیروز شود. به همین دلیل، تضمین حق دسترسی به وکیل، یکی از اهداف قانون‌گذار به شمار می‌رود و اگر شخصی در پی رفتار مرتکب جرم تظاهر و مداخله در وکالت، فرصت دسترسی به وکیل دادگستری را از دست بدهد، یکی از حقوق اساسی مورد نظر قانون، از وی سلب شده است.

## ۲.۲. افشای اسرار حرفه‌ای

ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) مقرر داشته است: «اطبا و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند». براساس این ماده، افرادی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار مردم می‌شوند، چنانچه به افشای اسرار آنها بپردازند، مورد پیگرد قرار گرفته و مجازات خواهند شد. ممانعت از ریخته شدن آبرو و هتک حیثیت افراد، حاکمیت روح بی‌اعتمادی و بدبینی در جامعه، سلب آرامش روحی و روانی و به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی<sup>۴</sup> ارزش‌هایی هستند که مقرر شده در پی حمایت از آنها است. وکلای دادگستری یکی از گروه‌های شغلی موضوع ماده قانونی یادشده هستند که به مناسبت

۱. خالقی، علی، *آئین دادرسی کیفری*، جلد ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ سی و سوم، ۱۳۹۵، ص ۱۷۸.

۲. آشوری، محمد، *آئین دادرسی کیفری*، جلد ۲، تهران: انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۸، ص ۱۷۰.

۳. شمس، عبدالله، پیشین، ص ۲۱۱.

۴. عروتنی موفق، اکبر، *تحلیل اخلاقی مسئله افشای سر در فرایند مشاوره (با رویکرد اسلامی)*، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه اخلاق، دوره ۱۰، ۱۳۹۶، شماره ۳۶، صص ۱۸-۱۶.

حرفه خود ممکن است محرم اسرار مالی، حقوقی، خانوادگی و جرایم ارتکاب‌یافته توسط افراد قرار گیرند و در صورت افشای اسرار مراجعین یا موکلین خود مورد پیگرد قرار می‌گیرند. باید توجه داشت که مواردی مانند ماده ۳ از قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، ماده ۶ (اصلاحی) قانون مبارزه با پولشویی، ماده ۱۷ از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان یا ماده ۱۵۴ از قانون آیین دادرسی کیفری که وکلای دادگستری یا سایر افراد جامعه را مکلف به افشا، مطلع‌ساختن یا در دسترس مقامات ذی‌صلاح قرار دادن اطلاعات یا اسناد نزد خود کرده است، از شمول این عنوان مجرمانه خارج است. هدف قانون‌گذار از جرم‌انگاری این رفتار، افزون بر حمایت از ارزش‌های اخلاقی و صیانت از مصالح عمومی، آن است که افراد فعال در گستره مشاغل یادشده در قانون، در برابر اشخاصی که عموماً در پی اضطراب یا اعتماد به آنها مراجعه و به بازگوکردن اسرار خود نزد ایشان می‌پردازند، واجد مسئولیت کیفری بوده و ضمانت‌اجرای تعیین شده، ایشان را از ارتکاب این رفتار مجرمانه بازدارد. حال آنکه ضمانت‌اجرای مقرر که با توجه به جایگاه شغلی این افراد نسبت به ایشان اعمال می‌شود، شامل افراد دیگری که خارج از دایره این مشاغل هستند و اقدام به افشای اسرار دیگران کنند، نمی‌شود و این افراد به‌سادگی از مسئولیت کیفری می‌گریزند. از این‌رو، آگاه‌شدن مرتکب از اسرار اشخاصی که به وی به‌عنوان وکیل دادگستری مراجعه کرده‌اند، به‌گونه‌ای که اگر می‌دانستند که او فاقد این وصف است، اسرار خود را نزد وی بازگو نمی‌کردند، از نظر قانون پذیرفتنی نیست.

### ۲.۳. مقررات ناظر بر فرار مالیاتی

درآمدهای دولت را به دو نوع درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی تقسیم می‌کنند و درآمدهای مالیاتی را مناسب‌ترین و قابل‌قبول‌ترین نوع درآمد برای دولت‌ها می‌دانند<sup>۱</sup> که نقش مؤثری در سیاست‌گذاری اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی دارد. از هدف‌های مهم تدوین و اجرای مقررات مالیاتی، جلوگیری از گسترش اقتصاد زیرزمینی است که شامل درآمدهای گزارش‌نشده‌ای می‌شود که تحصیل آنها با فرار مالیاتی همراه است. فرار مالیاتی، عبارت از هر تلاش غیرقانونی است که منتج به پرداختن مالیات یا کاهش غیرقانونی مالیات پرداختی گردد.<sup>۲</sup> قانون‌گذار ایران نخستین

۱. هادیان، ابراهیم و علی تحویلی، شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، دوره ۱۸، ۱۳۹۲، شماره ۲، ص ۴۰.  
۲. همان، ص ۴۲.

بار در ماده ۱۹ قانون اصلاح قانون مالیات بر درآمد مصوب ۱۳۳۷/۴/۱ فرار مالیاتی را جرم دانسته و مجازات حبس را برای مرتکبان آن مقرر کرد. پس از چندین بار تغییر قانون، نهایتاً در اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴، ماده ۲۷۴ قانون، در هفت مورد، رفتارهای مشمول این عنوان مجرمانه را برشمرد و برای مرتکبان آنها مجازات‌های تعزیری درجه ۶ را تعیین کرد. همچنین ماده ۱۰۳ قانون یادشده، به‌طور خاص وکلای دادگستری و کسانی را که در محاکم اختصاصی وکالت می‌کنند، مکلف به قید رقم حق‌الوکاله و ابطال تمبر مالیاتی معادل ۵ درصد از این مبلغ بر روی وکالت‌نامه کرده است. عمل نکردن به این تکلیف قانونی افزون بر اینکه وکالت وکیل را در محاکم غیرقابل‌پذیرش می‌سازد، با توجه به موارد مندرج در ماده ۲۷۴، رفتاری مجرمانه و سزاوار مجازات شناخته شده است. پرداخت مالیات ناشی از درآمدهای تحصیل‌شده از فعالیت‌های اقتصادی و نیز حق‌الوکاله‌های دریافتی از سوی وکلای دادگستری، نزد قانون‌گذار از درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که عمل نکردن به این تکلیف، ضمانت‌اجرای کیفری خواهد داشت. افزون بر این، وکلای دادگستری بر اساس تبصره ماده ۸ از قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری، مکلف‌اند که معادل نصف آنچه بابت مالیات، تمبر به وکالت‌نامه الصاق می‌کنند و همچنین معادل نصف جوهری که به‌عنوان حق‌المشاوره و حق‌الوکاله به‌طور مقطوع دریافت می‌کنند، به صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری پرداخت نمایند. توجه به مقررات یادشده نشان می‌دهد که قانون‌گذار بر آن است که جریان مالی مربوط به درآمدهای وکلای دادگستری ضابطه‌مند و تحت کنترل و نظارت قانونی باشد. بنابراین، وجود درآمدهای خارج از کنترل و نظارت قانون در این حوزه، از سوی قانون‌گذار تحمل نشده و مغایر با سیاست تقنینی به شمار می‌رود.

#### ۲.۴. ارتکاب رفتارهای خیانت‌آمیز

خیانت، عبارت است از خودداری از ادای حقی که ادای آن تضمین شده باشد<sup>۱</sup> و از ریشه «خَوَن» به‌معنای کم‌کردن و نقصان است. به همین دلیل آن را نقصان وفا نیز معنی کرده‌اند.<sup>۲</sup> هرچند انجام دادن رفتارهای خیانت‌آمیز، به لحاظ اخلاقی ناپسند و موجد مسئولیت شرعی است،

۱. طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، جلد ۵، بیروت: چاپ احمد حبیب قصیر، بی تا، ص ۱۰۵.  
 ۲. تحت نظر غلامعلی حداد عادل، *دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۱۶، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۵۸۰.

اما صرفاً بعضی از مظاهر این رفتار در قانون جرم‌انگاری شده‌اند. سوءاستفاده از سفید مهر یا سفید امضا و خیانت در امانت، موضوع مواد ۶۷۳ و ۶۷۴ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی یا رفتارهایی که در مواد ۵۰۱، ۵۰۳ و ۵۰۵ از قانون پیش‌گفته مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند و می‌توان آنها را از مصادیق خیانت به کشور دانست، از جمله این رفتارها به شمار می‌روند. با توجه به اینکه خیانت‌ورزی، از نظر اجتماعی، عاملی جهت اختلال در نظام اجتماعی و اقتصادی و در نتیجه، ایجاد تنش در روابط اجتماعی انسان‌ها تلقی می‌گردد،<sup>۱</sup> قانون‌گذار مصادیقی از این رفتار را که در قوانین جزایی، نسبت به عموم مردم برای آنها مجازات تعیین نشده، در قوانین خاص مربوط به بعضی مشاغل، با تعیین مجازات انتظامی یا غیر آن، ممنوع اعلام کرده است. در همین رابطه، ماده ۴۱ از قانون وکالت، مصوب ۱۳۱۵ مقرر داشته است: «در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود، از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالتیجه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محکوم خواهد شد و موکل می‌تواند خسارت وارده بر خود را از او مطالبه نماید». از رفتارهایی که ممکن است مشمول این ماده شوند، می‌توان به آگاه ساختن طرف مقابل دعوا از برخی اطلاعات مربوط به دعوای موکل یا راهنمایی و کمک کردن به طرف مقابل و به زیان موکل در جریان دعوای مطروحه اشاره کرد. هنگامی که فردی با اعتماد به وکیل دادگستری، به دنبال دستیابی به حقوق تضییع یا انکارشده خود، یا برای دفاع از اتهام وارده به خود، به او مراجعه کرده و اطلاعات یا مستندات مربوط به دعوای خود را در اختیار او قرار می‌دهد، انتظار از وکیل آن است که جانب امانت را رعایت کند. قانون‌گذار در ازای صلاحیتی که برای اشتغال در حرفه وکالت به وکیل اعطا می‌کند، نسبت به رفتارهایی که مغایر با اصول فعالیت در این حرفه باشد، بی‌تفاوت نبوده و برای ارتکاب چنین رفتارهایی ضمانت‌اجرای مؤثری تعیین کرده است. از آنجایی که مجازات خیانت به موکل - اگر مشمول عناوین مجرمانه دیگر نباشد - صرفاً نسبت به وکیل دادگستری قابلیت اعمال دارد، اقدامات افراد غیر وکیل که در امر وکالت مداخله کرده و رفتار خیانت‌آمیز داشته باشند، با هیچ ضمانت‌اجرایی مواجه نمی‌شود و یکی از مقاصد قانون‌گذار نادیده گرفته می‌شود.

۱. حبیب زاده، محمد جعفر، *تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران*، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ پنجم ۱۳۹۶، ص ۳۹.

## ۲.۵. حفظ شان و احترام حرفه وکالت

عدالت مفهومی است که انسان از آغاز آفرینش، با آن آشنا و در جستجوی آن بوده است و آن را فضیلتی دانسته‌اند که به موجب آن باید به هرکس هر آنچه حق اوست، داد.<sup>۱</sup> عدالت در دین اسلام از اهمیت فراوانی برخوردار است. آیه ۲۵ از سوره حدید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».<sup>۲</sup> در این آیه، خدای متعال یکی از علت‌های برانگیخته‌شدن پیامبران را اقامه عدل دانسته است. عدالت‌ورزی و تلاش برای اقامه آن از دیدگاه قرآن کریم «تزدیک‌تر به تقوا» دانسته شده است<sup>۳</sup> و از سویی، گرامی‌ترین افراد نزد خداوند، تقوا پیشگان هستند؛<sup>۴</sup> پس می‌توان گفت که اجراکنندگان عدالت از عزیزترین و کریم‌ترین افراد نزد خداوند متعال به شمار می‌روند.<sup>۵</sup> وکالت دادگستری از جمله مشاغلی است که در فرایند اجرای عدالت قضایی اثرگذار است و به همین دلیل در قانون، مقرراتی برای صیانت از شأن و کرامت این حرفه پیش‌بینی شده است. تبصره ۳ از ماده واحده مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۱ مقرر داشته است: «وکیل در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار می‌باشد». همچنین ماده ۲۰ از لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳، برای توهین به وکیل در حین انجام وظیفه یا به سبب آن، از ۱۵ روز تا ۳ ماه مجازات تعیین کرده است. جرم‌انگاری توهین به وکیل دادگستری به موجب قانون خاص، دلالت بر آن دارد که مقنن نسبت به رعایت شأن و کرامت شاغلین به وکالت، به جهت رسالتی که در احقاق حق و مساعدت در اجرای عدالت دارند، توجه داشته است. روشن است که مبنای این رویکرد قانون‌گذار، نه ایجاد حقی شخصی که صیانت از آرمانی اجتماعی است. از همین رو بند ۱ از ماده ۱۲۴ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال قانون وکلای

۱. کاتوزیان، امیر ناصر، **حقوق و عدالت**، نقد و نظر، سال سوم، شماره ۲ و ۳، ص ۳۷.

۲. به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و میزان(عدل) را فرود آوردیم تا مردم به عدالت برخیزند.

۳. آیه هشتم سوره مائده: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ».

۴. آیه سیزدهم از سوره حجرات: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ».

۵. کاتوزیان، امیر ناصر، **نقش عدالت و انصاف در حقوق ایران**، فصلنامه وکیل مدافع، ۱۳۹۳، شماره ۱۲ و ۱۳، ص ۱۰۷.



دادگستری، مصوب ۱۴۰۰/۴/۶، ارتکاب اعمال و رفتاری که خلاف شئون وکالت یا اشتغال به شغلی را که مخالف شأن و حیثیت وکالت از سوی وکیل است، سزاوار مجازات انتظامی درجه ۴ دانسته است. مقررات یادشده، نشانگر قصد قانون‌گذار مبنی بر حمایت از شأن و کرامت شغل وکالت است. چنانچه تظاهر یا مداخله در وکالت از سوی مرتکب، منجر به آسیب به شأن و کرامت حرفه وکالت در نظر شخصی که او را وکیل پنداشته است، شود (رفتاری همچون استعمال مواد مخدر)، رفتار این فرد نقض یکی از ارزش‌های مورد حمایت قانون‌گذار است.

## نتیجه‌گیری

مرور قوانین موضوعه با هدف شناخت اوصاف رفتار مجرمانه تظاهر و مداخله در عمل وکالت، نشان داد که تظاهر و مداخله، از منظر قانون باید واجد ویژگی‌هایی باشند. صدق عنوان تظاهر، در صورت وجود مخاطب معین، مستلزم آن است که مرتکب صراحتاً وانمود کند که وکیل دادگستری است؛ در صورت فقدان مخاطب مشخص، رفتار تظاهر‌آمیز باید علنی باشد و در حضور افراد یا در محلی که مکان عمومی یا معد حضور عموم است، انجام شده باشد و هر فعلی که عرفاً بتواند تصور وکیل بودن فرد را در دیگران ایجاد کند، مشمول این عنوان خواهد بود. تحقق رفتار مداخله‌گرانه نیز منوط به وجود شرایطی است: نخست آنکه مرتکب، ماذون نباشد؛ چنانچه قانون در ارتباط با حرفه وکالت، انجام کارهایی را برای افراد عادی مجاز دانسته باشد یا کسانی با اذن وکیل دادگستری، در اموری که منع قانونی در انجام آنها توسط دیگران وجود ندارد، دخالتی کنند، رفتار آنها مداخله در وکالت محسوب نمی‌شود. دومین شرط آن است که رفتار مرتکب باید دخالت در اموری باشد که در صلاحیت وکیل دادگستری است که پیرامون دعوی بالفعل یا بالقوه مدنی یا کیفری شکل می‌گیرد. سومین وصف لازم، عدم شرطیت مستقیم‌بودن مداخله است. دخالت فاعل این جرم، ممکن است به‌طور مستقیم یا باواسطه باشد و مداخله غیرمستقیم را نباید خارج از تعریف آن دانست. نتایج بررسی قوانین مرتبط با حرفه وکالت دادگستری نشان داد که مقنن در این قوانین، حمایت از ارزش‌هایی را مطمح نظر داشته است. نخست آنکه همه افراد جامعه باید از حق دسترسی آزادانه به وکیل دادگستری بهره‌مند باشند؛ دوم، اسراری که از سوی مردم به اعتبار جایگاه حرفه‌ای وکیل، نزد وی مطرح می‌شوند، باید مصون از افشای غیرقانونی قرار گیرند؛ سوم آنکه عواید مالی وکلا که شامل حق‌الوکاله و حق‌المشاوره است، تحت نظارت مالیاتی دولت قرار داشته باشد؛ چهارمین ارزش مورد حمایت قانون، رعایت جانب امانت و جلوگیری از خیانت وکیل به موکل است که در صورت وقوع، با ضمانت اجرای مؤثری<sup>۱</sup> مواجه می‌گردد. حفظ شأن و حیثیت شغل وکالت که برآمده از رسالت عدالت‌جویی آن است، پنجمین ارزش مورد حمایت قانون را تشکیل می‌دهد. بنابراین، تحقق جرم تظاهر و مداخله در وکالت را به قرینه‌های فوق، باید مقید به تحقق نتیجه دانست. این نتیجه شامل محروم شدن افراد از دسترسی به وکیل،

۱. محرومیت ابدی از اشتغال به وکالت و جبران خسارت

مطلع شدن از اسرار دیگران یا افشای آنها، دریافت مال یا وجه از اشخاص، ارتکاب رفتار خیانت‌آمیز علیه افراد و آسیب‌رساندن به شأن و حیثیت حرفه وکالت است. به نظر می‌رسد که دادرس دادگاه، در رسیدگی به اتهام تظاهر و مداخله در امر وکالت، ابتدا باید رفتار فیزیکی مرتکب را با معیارهای ذکرشده برای تحقق عناوین تظاهر و مداخله انطباق دهد، سپس تحقق یکی از نتایج پنجگانه یادشده را احراز نماید.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. اردبیلی، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، جلد ۱، تهران: نشر میزان، چاپ سی‌وسوم، ۱۳۹۲.
۲. اکرمی، روح‌الله، **بررسی قانون مجازات اسلامی جدید در سنجۀ ضوابط قانون‌نگاری**، مجلس و راهبرد، ۱۳۹۴، شماره ۸۲.
۳. امیدی، جلیل، **تفسیر قانون در حقوق جزا**، تهران: نشر مخاطب، ۱۳۹۴.
۴. آشوری، محمد، **آئین دادرسی کیفری**، جلد ۲، تهران: انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۸.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **وسیط در ترمینولوژی حقوق**، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۹.
۶. حبیب‌زاده، محمد جعفر، **تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران**، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ پنجم، ۱۳۹۶.
۷. حداد عادل، غلامعلی، **دانشنامه جهان اسلام**، جلد ۱۶، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۰.
۸. خالقی، علی، **آئین دادرسی کیفری**، جلد ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ سی‌وسوم، ۱۳۹۵.
۹. سبزواری، سید عبدالعلی، **مذهب الاحکام فی بیان حلال و الحرام**، جلد ۲۳، قم: دارالتفسیر.
۱۰. شمس، عبدالله، **آئین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)**، جلد ۱، تهران: انتشارات دراک، چاپ سی‌وپنجم، ۱۳۹۴.
۱۱. طباطبایی موتمنی، منوچهر، **حقوق اداری**، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳.

۱۲. طوسی، محمدبن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، جلد ۵، بیروت: چاپ احمد حبیب قصیر، بی تا.
۱۳. قیاسی، جلال‌الدین، **روش تفسیر قوانین کیفری**، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۹۸.
۱۴. قیاسی، جلال‌الدین، عادل ساریخانی و قدرت‌ا... خسروشاهی، **مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی**، جلد ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۱۵. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- مقاله
۱۶. حسینی خامنه‌ای، سید محمد، **وکالت در دعاوی**، نشریه نور علم، ۱۳۶۳، شماره ۴.
۱۷. عروتی موفق، اکبر، **تحلیل اخلاقی مسئله افشای سر در فرآیند مشاوره (با رویکرد اسلامی)**، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه اخلاق، دوره ۱۰، ۱۳۹۶، شماره ۳۶.
۱۸. قلی‌پور، غلامرضا و مهدی صبوری‌پور، **تحدید وکیل در نظام عدالت کیفری ایران**، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۱۱، ۱۳۹۹، شماره ۱.
۱۹. کاتوزیان، امیر ناصر، **حقوق و عدالت**، نقد و نظر، سال سوم، شماره ۲ و ۳.
۲۰. -----، **نقش عدالت و انصاف در حقوق ایران**، فصلنامه وکیل مدافع، ۱۳۹۳، شماره ۱۲ و ۱۳.
۲۱. هادیان، ابراهیم و علی تحویلی، **شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران**، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۱۸، ۱۳۹۲، شماره ۲.

